

روان‌شناسی زنان

کارن هورنای

ترجمه سهیل سَمی



فهرست

مقدمه	۷
۱. خاستگاه عقدهٔ اختگی در زنان	۳۱
۲. فرار از زنانگی	۶۱
عقدهٔ نرینگی در زنان از نگاه مردان و زنان	۶۱
۳. زنانگی سرکوب شده	۸۱
سردمزاجی زنان از دیدگاه روانکاوی	۸۱
۴. مسئلهٔ آرمان‌تک همسری	۹۷
۵. تنش پیش از قاعدگی	۱۱۷
۶. عیبی اعتمادی میان زن و مرد	۱۲۷
۷. مشکلات ازدواج	۱۴۳
هوحشت از زن	۱۶۱
ملاحظات در باب تفاوتی خاص میان وحشت مرد و زن از یکدیگر	۱۶۱
۹. تکاور واژن	۱۷۹
جورس معضل اضطراب‌های تناسلی خاص زنان	۱۷۹
۱۰. عوامل روانزا در اختلالات عملکردی زنان	۱۹۷

خاستگاه عقدهٔ اختگی در زنان*

گرچه دانش ما در زمینهٔ اشکال مختلف عقدهٔ اختگی در زنان به تدریج کامل و کامل‌تر شده است، در بارهٔ ماهیت این عقده شناخت بیش‌تری حاصل نگردیده‌ایم. خود انبوهی داده‌هایی که در این زمینه گردآوری شده و حال به خوبی با آن‌ها آشنا می‌شویم، ماهیت در خور توجه این پدیده را بیش از پیش به روشن می‌کشد، به نحوی که پدیدهٔ یاد شده فی نفسه مشکل‌ساز شده است. بررسی اشکال مختلف عقدهٔ اختگی در زنان که تاکنون مشاهده شده و استنتاج‌های حاصل از آن‌ها نشان می‌دهد که تاکنون باور غالب بر پایهٔ مفهومی بنیادین استوار بوده است، مفهومی که به اختصار می‌توان آن را بدین نحو تعریف کرد (من عیناً از اثر آبراهام در این زمینه نقل قول می‌کنم):

بسیاری از زنان، از کودک گرفته تا بالغ، موقتاً یا دائماً از نوع جنسیتشان رنج می‌برند. نمودهای زندگی روانی زنان، که در اعتراض ایشان به زن بودنشان ریشه دارد، به دورانی باز می‌گردد که کودک بوده‌اند و به آلت تناسلی پسران عصبه می‌خورده‌اند. تصور ناخوشایند محرومیت به خیالات منفعلانهٔ اختگی

* مقالهٔ فرائد شده در هفتمین کنگرهٔ بین‌المللی روانکاوی در برلین در سپتامبر ۱۹۲۲.
 "Zur Genese des Weiblichen Kastrationskomplexes," *Intern. Zeitschr. f. psychoanal.* IX (1923), pp. 12-26; *Int. J. Psycho-Anal.*, V, Part 1 (1924), pp. 50-65. Reprinted with the Permission of *The International Journal of Psycho-Analysis*.

1. Cf. in Particular Abraham, "Manifestations of the Female Castration Complex" (1921), *Int. J. Psycho-Anal.*, vol. III, P. 1.

منجر می‌شود، حال آن‌که حس انتقام‌جویی زن نسبت به جنس ممتاز مذکر به خیالات فعالانه‌ای دامن می‌زند.

در این تعریف بدیهی انگاشته‌ایم که زنان به دلیل اندام تناسلی خود به شدت احساس خُسران و محرومیت می‌کنند و حتی به ذهنمان نیز خطوط نکرده است که این موضوع به خودی خود محل اشکال است؛ احتمالاً به دلیل خودشیفتگی مردان چنین به نظر رسیده است که این پنداشت به قدری بدیهی است که نیاز به توضیح ندارد. در هر حال، نتیجه‌ای که تاکنون از تحقیقات حاصل آمده - و بنابر آن، می‌توان با اطمینان گفت که نیمی از نژاد بشر از جنسیت خود راضی نیستند و تنها در شرایط مساعد می‌توانند بر این نارضایتی غالب آیند - به طور قطع خوشایند نیست، نه تنها از دیدگاه خودشیفتگی زنان، بلکه حتی از منظر علم زیست‌شناختی. به این ترتیب سؤال اصلی مطرح می‌شود: آیا واقعاً اشکال مختلف عقده‌اختگی در زنان، که موجب تشدید روان‌رنجوری آن‌ها می‌شود و بر روند شکل‌گیری شخصیت و سرنوشتشان تأثیر می‌گذارد، صرفاً در نارضایتی حاصل از حسادت به آلتِ رجولیت ریشه دارند؟ شاید هم این‌ها همه دستاویزی است که (دست کم عمدتاً) نیروهایی دیگر - که پیش از این در مطالعاتمان در باره پیدایش روان‌رنجوری با قدرت بالقوه آن‌ها آشنا شده‌ایم - پیش کشیده‌اند؟ به عقیده من، از چند جهت می‌توان به این مسئله پرداخت. حال می‌خواهم از دیدگاه پدیدآیی روانی و بر اساس سال‌ها تجربه در مداوای بیمارانم ملاحظات را مطرح کنم، بیمارانی که عمدتاً زن و آشکارا دستخوش عقده‌اختگی بوده‌اند. امیدوارم این ملاحظات در یافتن راه حل مفید واقع شود.

بر اساس تصور رایج، عقده‌اختگی در زنان به طور کامل از عقده‌حسادت به آلت رجولیت نشئت گرفته است. اصطلاح مشابه دیگری که در این مورد به کار می‌رود عقده‌نرینگی است. به این ترتیب اولین سؤالی که مطرح